

ماجرای سرقت از خانه رضاخان

انسان در هر دوره از زندگی اش خواسته و ناخواسته امکان دارد دست به رفتارهای مجرمانه بزند، حتی در دوران کودکی که هنوز تجربه‌ای از زندگی نداشته و دنیایش مانند برگ کاغذی سفید است. زن و مرد هم ندارد، یعنی در انجام یک رفتار بزهکارانه، دلیلی برای این که مرد باشی یا زن وجود ندارد.

به گزارش سایت خبری پرسون، زهره شریفی در یادداشتی نوشت: «گفت: بی تردید تو را می‌کشم... آنگاه هوای نفس او را بر کشتن برادرش ترغیب نمود تا او را به قتل رساند و بدین سبب از زیانکاران گردید». می‌توان اولین اتفاق مجرمانه‌ای را که بشر دست به آن زد مرگ «هابیل» توسط برادرش «قابیل» دانست؛ جرمی که در روزگار ما در قانون مجازات به معنای «قتل عمد» تعریف شده و حکمش اعدام خواهد بود.

از همان زمان تا به امروز، انسان در شرایط مختلف و به دلایل گوناگون گاه خواسته و گاه ناخواسته مرتکب رفتارهایی شده که نتیجه آن آسیب زدن به حقوق دیگران بوده است.

«مجرم» یا «بزهکار» کسی است که در میان عموم مردم «خطاکار» و «گنهکار» به حساب آمده و باید برای رفتار غیراخلاقی که انجام داده مجازات شود.

انسان در هر دوره از زندگی اش خواسته و ناخواسته امکان دارد دست به رفتارهای مجرمانه بزند، حتی در دوران کودکی که هنوز تجربه‌ای از زندگی نداشته و دنیایش مانند برگ کاغذی سفید است. زن و مرد هم ندارد، یعنی در انجام یک رفتار بزهکارانه، دلیلی برای این که مرد باشی یا زن وجود ندارد؛ با این که تعداد بزهکاران مرد نسبت به زنان بیشتر و جرم‌هایی که انجام می‌دهند خشن‌تر و آسیب‌رسان‌تر است؛ از قتل گرفته تا تجاوز و دزدی‌های کلان و...

نوجوانان پسر در ردیف بعدی رفتارهای مجرمانه البته بعد از مردان بالغ قرار دارند که متأسفانه شاهد گسترش این آسیب در میانشان هستیم.

زنان و دختران نیز در مراتب بعدی، به خصوص در دهه‌های اخیر به سمت بزهکاری روی آورده‌اند که با گذشت زمان می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری برای جامعه به همراه داشته باشد.

البته بزهکاری زنان چیز تازه‌ای نیست و تاریخ کم به خود ندیده، اما این که در چندین سال اخیر چه در ایران و چه دیگر کشورهای جهان رو به افزایش گذاشته قابل تأمل و بررسی است.

زنان ایرانی به دلایل مختلف نسبت به دیگر زنان جهان از کج روی‌های اجتماعی دورتر بوده‌اند. در دوره ماقبل مدرن ایران که نزدیک‌ترین زمانش به امروز، دوران قاجار است کمتر مطلب یا گزارشی درباره زندگی زنان نوشته شده، زیرا زنان به اندرونی و زندگی خانوادگی محدود بوده‌اند. در نتیجه به سختی می‌توان درباره کج روی‌ها، جرایم و مجازات آنان در آن دوران مستنداتی به دست آورد.

اما بررسی اسناد تاریخی عصر قاجار نشان می‌دهد جرایم زنان در دوران حکومت «ناصرالدین شاه» قاجار، شامل نزاع خانوادگی، سرقت و جرایم جنسی و مجازات آنان نیز مانند مجازات مردان اقدامات تنبیهی بوده است.

در واقع به دلیل تفکیک جنسیتی در فضاهای عمومی و عدم حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی از جمله اشتغال، فرصت و امکان ارتکاب جرم برای زنان اندک بوده، از سوی دیگر به خاطر سلطه تفکر پدرسالاری، زنان از کودکی به نحوی تربیت می‌شدند که منفعل و مطیع و همراه با هنجارهای اجتماعی رفتار کنند و امکان ارتکاب جرم در آن‌ها به دلیل تعهد به پیوندهای خانوادگی اندک بود.

جرایمی، چون روسپیگری زنان نیز بیش از هر چیز از سر ناچاری و به دلیل عدم تأمین معاش رخ می‌داد.

از طرفی زنان عموماً هم در درون خانواده و هم در عرصه جامعه زیر کنترل قرار داشتند و به همین دلیل فرصت بزهکاری کمتری پیدا می‌کردند. با این حال جرم‌های قابل توجهی توسط بعضی از زنان برحسب شرایط زندگیشان صورت می‌گرفت که کم‌اهمیت هم نبود.

در عصر قاجار، خانواده چندهمسری معمول و به دلیل همجواری چند زوج و فرزندان‌شان منازعات خانوادگی هم بسیار بود. در بسیاری از مواقع این همجواری با رضایت و سکوت همراه نبود.

چندین هوو و فرزندانشان در محیطی کوچک کنار هم زندگی می‌کردند و اختلاف بر سر میراث و تعدد وراثت گاه به خشونت کشیده شده و باعث نزاع و ضرب و شتم بین زنان خانواده می‌شد. از جمله به روایتی: «از خراسان خبر دادند زنی با خدمه خود شکم هوویش را دریده و قاتله دو روز بعد فوت کرده است».

همچنین مواردی از دعوای خواهرشوهر با همسر برادر هم ثبت شده است: «مشهدی علی قصاب، عیال جدید اختیار کرده، همشیره و کسان عیال اولش از راه بام وارد منزل شده و به او بی‌احترامی و اذیت کرده‌اند و قدری از طلاآلات عیال حالیه، از میان رفت» یا در یک مورد دیگر می‌خوانیم: «همشیره حاجی زاغی شکایت می‌کند که خانه را به عیال برادر سپرده و او در غیبتش صندوقخانه لباس‌ها را سوزانده و چند فقره طلا و نقره را برداشته...».

از دیگر جرایمی که زنان انجام می‌دادند سرقت بود. البته از آنجا که زنان به مشاغل رسمی و دولتی دسترس نداشتند فرصت مبادرت آنان به اختلاس و کلاهبرداری و جعل سند و... وجود نداشت و سرقت‌های آنان در دزدیدن وسایل ناچیز از خانه‌های همدیگر خلاصه می‌شد.

زنان اموالی، چون ظروف مسی، پارچه و لباس زنانه و گاه قالیچه به سرقت می‌بردند که بیشتر هم از منازل همسایه‌ها بود. در بیشتر اوقات دزد دستگیر و پس از سه روز حبس و تنبیه مرخص شده و اجناس مسروقه به صاحبش برگردانده می‌شد.

آمار گزارش‌های مربوط به دزدی زنان در دوره قاجار بیش از دیگر گزارش‌هاست: «دیروز سارقه (زن سارق) به خانه رضاخان قاجار رفته، بعضی اسباب سرقت نموده، می‌خواسته ببرد، اهل خانه ملتفت گردیده، بنای داد و فریاد را گذارده، اجزای پلیس رسیده، مشارالیه را دستگیر نموده، به اداره آوردند».

به موجب یک سند دیگر، نویسنده عریضه‌ای مدعی شده پس از درگذشت فردی به نام نصرت، همسر او سه طاقه شال کرمانی و بعضی اجناس او را از خانه مرحوم برده است.

سندی دیگر از «دزدی پول محمدصادق توسط زن قاسم کچل و تقاضای صدور حکم در این‌باره» گزارش می‌دهد یا در سندی دیگر درباره سرقت از منزل فردی به نام میرزااحمد مستوفی سخن رفته که بخشی از آن اموال نزد همسر فردی دیگر به نام محمدکریم پیدا شده است. آن‌گونه که این سند تاریخی روایت می‌کند دزدی یادشده به حبس آن زن انجامیده است.

در بخشی از گزارش‌های مربوط به «راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه» مطالبی هم به جرائم زنان اختصاص دارد. در یکی از این گزارش‌ها به زنی اشاره شده است که «مستأجر مشهدی حسین بقال بود و، چون کرایه‌اش را نپرداخته بود، نزاع می‌کنند. بعد از تحقیقات، رئیس محله میان آن‌ها قراری می‌دهد که بقال راضی شده می‌رود».

در سندی دیگر از زنی به نام حاجیه قدم‌شاد مطرب نام برده شده است که: «در خانه عیال حاجی هاشم نام مستأجر است، دیروز به واسطه کرایه با مشارالیه‌ها نزاعشان شد». آن‌گونه که راپورت نظمیه نشان می‌دهد هر دو زن برای رسیدگی به دعوایشان به رئیس محله شکایت برده‌اند.

یکی از گزارش‌های مأموران نظمیه نیز از دعوایی خانوادگی خبر می‌دهد که زن‌های طرفین را به جان یکدیگر انداخته است: «آقا هاشم صراف با زنش که همشیره محمد شیپورچی است نزاعشان شده، مشارالیه می‌خواسته برود و زن خود را طلاق بدهد. جمعی از زن‌های طرفین به حمایت یکدیگر برآمده، بنای زد و خورد گذارده بودند. همسایه‌ها جمع شده، آن‌ها را ساکت کرده، صلح می‌دهند».

جدای این جرایم بخشی از رفتارهای ناپنجار و بزهکارانه زنان مربوط به مسائلی، چون «زنا» و «فحشا» است که مجازات‌های بسیار سنگینی برای این زنان در نظر گرفته شده بود؛ چنان‌که روایت شده زنانی را که درگیر فحشا بودند در گونی می‌کردند و با چوب می‌زدند، بعد موهای سرشان را می‌تراشیدند و به صورتشان دوده می‌مالیدند و روی الاغ می‌نشاندند و در خیابان می‌گردانند. گاهی هم زنده به گورشان می‌کردند.

البته در سال‌های بعد این نوع مجازات‌ها تغییر کرده و بیشتر به حبس این زنان می‌انجامید.

با آن که بیش از نیمی از جرایم روزگار ناصرالدین شاه به صورت کلی به قتل عمد و غیرعمد اختصاص داشت، موارد ارتکاب قتل توسط زنان اندک و موارد شوهرکشی هم بسیار نادر بود و در صورت وقوع، مجرم قصاص می‌شد.

بنا بر یک گزارش، زن حامله‌ای را به جرم خوراندن زهر به همسرش اعدام کردند، هر چند اعدام او مغایر با اصول شریعت بود.

در واقعه هولناک دیگری هم تازه‌عروس یک خانواده ایلپاتی با چوپانان خانواده همدست می‌شود و در یک شب تمامی ۱۹ نفر عضو خانواده از مرد و زن و کودک را قتل عام کرده و با اموال خانواده می‌گریزند. تازه‌عروس به دست خود دو کودک را کشته بود.